

بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر بر مشارکت اجتماعی مردم

با پلیس

قدیر بخشی^۱، محسن درخوش^۲، رضا دوستدار^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۸/۲۶

از صفحه ۱۳۵ تا ۱۶۲

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال هفتم،
شماره سوم (پیاپی بیست و هفتم)، پاییز ۱۳۹۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت مردم در نظارت بر عملکرد پلیس و نیز شناسایی موانع توسعه نظارت همگانی در سازمان پلیس انجام شده است. به همین دلیل با واکاوی نظریات و پژوهش‌های ناظر بر موضوع مشارکت اجتماعی شهروندان با پلیس و با بهره‌گیری از روش‌های پیمایشی، ابعاد مختلف موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه آماری پژوهش حاضر را ۶۵۲ نفر از مخاطبان مرکز نظارت همگانی (سامانه ۱۹۷) نیروی انتظامی در شهر تهران در سال ۹۲ تشکیل می‌دهند که بر اساس روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند. داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه گردآوری شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین مشارکت در نظارت همگانی پلیس به میزان ۰/۵۳۶ است. بر اساس تحلیل رگرسیونی، بین متغیرهای اعتماد اجتماعی به کارگزاران و اعتماد انتزاعی به نهاد نظارت همگانی با ابعاد؛ پیش‌بینی پذیری، پاسخگویی و شفافیت سازمانی، اعتماد درون گروهی، آگاهی‌های اجتماعی، نگرش مثبت به مشارکت در نظارت همگانی و رضایت اجتماعی از عملکرد مراکز نظارت با متغیر مشارکت در نظارت همگانی پلیس، رابطه‌ای معنادار و قوی برقرار است. وزن عامل اعتماد اجتماعی و آگاهی‌های اجتماعی از نظارت همگانی پلیس در تبیین مشارکت در نظارت همگانی بیشتر از سایر عوامل موجود در تحلیل است.

کلید واژه‌ها

مشارکت اجتماعی، نظارت همگانی، اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی، آگاهی‌های اجتماعی، نگرش اجتماعی به مشارکت.

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و مدرس دانشگاه alireza_bakhshi@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

۳- دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا

اواخر سال ۱۳۷۹ و در راستای تحقق پلیس جامعه‌محور، برپایی تشکیلات مراکز نظارت همگانی و سامانه ۱۹۷ در سراسر کشور با هدف اعمال نظارت مردمی بر عملکرد پلیس از سوی نیروی انتظامی آغاز شد. مراکز نظارت همگانی با پشتوانه اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تأسی بر اصول اخلاقی و شرعی دین مبین اسلام، یعنی امر به معروف و نهی از منکر و تکالیف متقابل مردم و پلیس بنیان نهاده شده و ناظر بر نظارت مستقیم مردم بر عملکرد پلیس است. براساس اصول مذکور، این مراکز با جلب افکار عمومی و دریافت نظرات، بینش‌ها و نگرش‌های شهروندان و گسترش تعاملات مردم با پلیس در قبول مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی در عرصه‌های تأمین نظم و امنیت اجتماعی و تولید صمیمیت، تعهد و اعتماد متقابل گام‌های مؤثری برداشته است.

نظارت همگانی از دو جنبه در اعتمادسازی متقابل پلیس و مردم و جلب مشارکت عمومی نقش آفرین است؛ نخست اینکه سازمان پلیس از طریق نظارت همگانی، نیازهای واقعی مردم را درک و از نظرات و میزان رضایت آن‌ها از عملکرد خود مطلع می‌شود و نتیجه آن خواهد شد که پلیس بر اساس یافته‌های حاصل از نیازسنجی عمومی در مقوله نظم و امنیت و میزان اثربخشی اجتماعی و بازخورد عملکرد خود در جامعه، برنامه‌های خود را به‌منظور انجام مطلوب وظایف و مأموریت‌ها و در نهایت ارائه خدمات بهتر به مردم و جلب رضایت و اعتماد عمومی تنظیم می‌کند. عرصه دوم، ایجاد بستر مناسب برای مشارکت فعال و نقش‌آفرینی سازنده مردم در برقراری نظم و امنیت در جامعه با سازوکار فعال نظارت همگانی است. با فراهم شدن هر چه بیشتر زمینه‌های «نظارت همگانی» بر رفتار و گفتار کارکنان و عملکرد سازمانی پلیس، ضامن سلامت و دوام این سازمان، احساس امنیت شهروندان، راهگشا و زمینه‌ساز خدمت به مردم، وظیفه‌شناسی، کارآمدی و پویایی سازمان پلیس خواهد بود.

بر اساس تدابیر فرماندهان و مدیران، اهدافی که برای مراکز نظارت همگانی پیش‌بینی و تعیین شده است، عبارتند از:

۱- جلب مشارکت مردمی: مردم نقش مهمی در تأمین و حفظ امنیت دارند. یکی از روش‌های تحقق این نقش می‌تواند مشارکت شهروندان در قالب نظارت بر عملکرد پلیس

باشد. این نوع از مشارکت به افزایش احساس تعلق خاطر در شهروندان می‌انجامد و بدین ترتیب امنیت روانی و آسایش جامعه فراهم می‌شود.

۲- **کسب اعتماد عمومی به ناجا:** نظام اعتماد متقابل به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی، موجب گسترش تعاملات اجتماعی، روابط دوستانه، مشارکت، گسترش شبکه‌های ارتباطی، همبستگی و انسجام اجتماعی می‌شود، بنابراین نقش مراکز نظارت همگانی به عنوان یک عامل واسطه‌ای در فرایند اعتمادسازی مورد توجه قرار گرفته است.

۳- **ایجاد بستر تصمیم‌سازی برای فرماندهان و مدیران ناجا:** تصمیم‌گیری به‌ویژه در سطوح راهبردی، نیازمند سامانه‌های پردازش اطلاعات گسترده‌ای است. مراکز نظارت همگانی به عنوان یک سامانه پردازش اطلاعات با تجمیع افکار، نظرات و دیدگاه‌های مردمی، داده‌های مورد نیاز فرایند تصمیم‌گیری در ناجا را برای بهبود عملکرد پلیس در اختیار فرماندهان و مسئولین ناجا قرار می‌دهند.

۴- **ایفای نقش بازدارندگی از بروز جرم و تخلف در میان کارکنان ناجا:** دارا بودن سازمانی پاک و سالم، مستلزم رویکرد پیشگیری و صیانت از کارکنان است. در این راستا نظارت همگانی به جهت دارا بودن نقش بازدارندگی از میزان جرایم و تخلفات کارکنان که همواره مانعی بزرگ در تحقق اهداف سازمانی محسوب می‌شوند، خواهد کاست. در زمینه ضرورت و اهمیت مشارکت مردم با نیروی انتظامی موارد زیر قابل اشاره می‌باشد.

۱- جایگاه والای سازمانی، شرعی و قانونی موضوع مشارکت مردم در نظارت بر عملکرد ناجا، ضرورت و اهمیت بررسی و رصد مستمر علمی بر فرایند این نوع از مشارکت مردمی را آشکار می‌کند و از آنجایی که از ابتدای تأسیس نظارت همگانی تاکنون، تحقیق علمی جامعی در خصوص علل و عوامل مؤثر بر توسعه نظارت همگانی صورت نگرفته است، این مهم ضرورتی مضاعف می‌یابد.

۲- طرح مباحثی چون مفهوم پلیس جامعه‌محور که در گفتمان امنیت مدرن مدنظر است، ضرورت توجه به سرمایه اجتماعی پلیس را دو چندان کرده است.

به طور کلی، رویکرد جامعه‌محوری پلیس اشاره به ارتباط و حمایت دو سویه سازمان پلیس و جامعه دارد. مشارکت و همکاری مردم با سازمان پلیس نیز در واقع به هویت مردمی بودن آن توجه دارد و به هر میزان که سازمان پلیس به سمت داشتن تعاملات



گسترده‌تر با مردم حرکت کند، راندمان عملکرد پلیس، بهبود و هزینه‌های تأمین نظم و امنیت به حداقل ممکن کاهش می‌یابد، علاوه بر این، زمینه‌های جلب مشارکت‌های اجتماعی و اعتماد مردم نسبت به پلیس نیز فراهم می‌شود. جلب رضایت، اعتماد و مشارکت مردم از رئوس برنامه‌ها و اهداف پلیس در این رویکرد است. درونمایه و محتوای اهداف فوق به گونه‌ای است که رفتار (مشارکت) و نگرش مردم جایگاه ممتاز و بنیادینی در ارتباط با پلیس یافته است. بر همین اساس تبیین کم و کیف نگرش‌های مردم (میزان مشارکت‌های اجتماعی در نظارت همگانی پلیس، اعتماد و رضایت مردم از عملکرد مراکز نظارت همگانی پلیس و...) عوامل مؤثری در موفقیت و دستیابی پلیس به اهداف ذکر شده می‌باشند. از این رو است که موضوع مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی بر عملکرد پلیس در کانون توجه قرار گرفته و سازمان پلیس اقبال نظری و عملی روز افزون‌تری بر آن داشته است.

۳- بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت در نظارت همگانی، در ارزیابی اثربخشی عملکرد این مراکز مورد نیاز است. اثربخشی نشان می‌دهد که سازمان تا چه اندازه توانسته است، مأموریت‌های خود را محقق ساخته و به هدف یا حالت مطلوب دست یابد. بنابراین پژوهش حاضر می‌تواند در ارزیابی اثربخشی عملکرد مراکز نظارت همگانی مؤثر بوده و داده‌ها و نتایج مفیدی در دسترس مدیران و مسئولین مربوطه قرار دهد.

مراکز نظارت همگانی ناجا در حیات سازمانی نه چندان طولانی خود همواره تلاش کرده است که فاصله اجتماعی و شکاف هنجاری میان پلیس و مردم را به حداقل ممکن کاهش دهد. این مهم با تأکید بر نقش تاریخی مراکز نظارت همگانی در زمینه ایجاد فرهنگ جامعه‌محوری به جای جامعه‌ستیزی و جامعه‌گریزی و اعتمادسازی متقابل پلیس و مردم و در نهایت ارتقای احساس امنیت و توسعه نظم و امنیت اجتماعی در جامعه صورت پذیرفت. بی‌تردید، استمرار تعامل پلیس و مردم، در ادراک صحیح نیازها و خواسته‌های مردم و بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی و کنترل و هدایت توده‌ها به سمت همیاری و همکاری با پلیس بسیار مؤثر بوده، نویدبخش یک نظام سازمانی پویا و نظام‌مند و متعهد به وظایف سازمانی است. بر این اساس، از یک سو باید به تأثیر برون سازمانی مراکز نظارت در جلب اعتماد و مشارکت عمومی، سازمان‌بندی هنجارها، تعهدات متقابل و شبکه‌های تعاملی پلیس و مردم و ایجاد فضای آرامش و آسایش و

همدلی برای شهروندان اشاره کرد که این مهم اثرات چشمگیری در حمایت‌های مردم از پلیس و مشارکت فعال آنان در طرح‌های ناجا در پی خواهد داشت و از سویی دیگر می‌توان به اثرات درون‌سازمانی مراکز نظارت در نظم‌پذیری کارکنان و شناسایی آسیب‌ها و تهدیدات بر یگان‌های ماموریتی ناجا اشاره کرد.

نظارت همگانی، مشارکت مردمی، اعتماد عمومی، روحیه انتقادپذیری در سازمان، برقراری و حفظ احساس امنیت اجتماعی پایدار در جامعه، تعالی و بالندگی سازمانی، اصلاح و بهبود روش‌های سازمانی از ارزش‌های مورد توجه در مراکز نظارت همگانی است. این مراکز بسترهای لازم را در راستای مشارکت مردم در امر نظارت بر عملکرد پلیس فراهم کرده و این نوع مشارکت به افزایش احساس تعلق خاطر در شهروندان می‌انجامد و بدین ترتیب احساس امنیت روانی و آسایش جامعه فراهم می‌شود. نقش مراکز نظارت به عنوان عامل واسطه‌ای در فرایند اعتمادسازی از دیگر اهداف راهبردی این مراکز می‌باشد، نظام اعتماد متقابل به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی، موجب گسترش تعاملات اجتماعی، روابط دوستانه، مشارکت، گسترش شبکه‌های ارتباطی، همبستگی و انسجام اجتماعی و در نهایت احساس امنیت و آرامش خاطر شهروندان می‌شود. هدف این تحقیق، سنجش نگرش افراد مورد مطالعه به مشارکت در نظارت همگانی پلیس، تبیین برخی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و ارائه راهکارهای کاربردی برای تقویت و ارتقای آن می‌باشد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش، پاسخ به این سؤال است که چه عوامل جامعه‌شناختی بر مشارکت اجتماعی مردم با پلیس مؤثر است؟

پیشینه تحقیق

- ازکیا و غفاری (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان» پیوند بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه مورد مطالعه، دلالت بر وجود رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی دارد.

- انصاری (۱۳۸۲) پژوهشی را با عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهر تهران» انجام داده است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که بین



شاخص‌هایی چون اعتماد، یگانگی اجتماعی، قانون‌گرایی، وجدان کار و رضایتمندی اجتماعی با مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد (انصاری، ۱۳۸۲ به نقل از مرادی، ۱۳۸۸).

- «نظارت همگانی، اعتماد اجتماعی و پلیس»: این پژوهش در سال ۱۳۸۳ توسط گودرزی و دعاگویان انجام شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اگر مردم موضوعی را در خصوص نحوه عملکرد پلیس به مرکز نظارت همگانی (سامانه ۱۹۷) اطلاع دهند، این رفتار هنگامی در آینده تداوم می‌یابد که مردم به این مرکز اعتماد کنند و مرکز نظارت همگانی هم متعهد به جبران مشکل مردم باشد.

- «موانع و مشکلات جلب مشارکت‌های مردمی در کلانتری‌های شمال شرق تهران»، عنوان پژوهشی است که توسط نوروزی، امین صارمی و صالحی (۱۳۸۷) و با هدف شناسایی مشکلات و موانع پیش‌روی مشارکت مردمی با کلانتری‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها طراحی و ارایه شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر مشارکت مردم با کلانتری‌ها به ترتیب عبارتند از: آموزش کارکنان، منابع و امکانات کلانتری‌ها، آموزش همگانی، ساختار و تشکیلات پلیس، فرهنگ اجتماعی مردم و فرهنگ سازمانی پلیس.

- رضا دوست، حسین‌زاده و عابدزاده (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه شهری ایلام» که با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان انجام داده‌اند، ارتباط میان متغیرهای جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، رضایت از خدمات شهری، عضویت در تشکل‌های اجتماعی و... با متغیر مشارکت اجتماعی شهروندان مورد آزمون قرار گرفته است، نتایج حاصله از آزمون دو متغیره، نشان از معنادار بودن ارتباط متغیرهای فوق به استثنای جنس بر مشارکت اجتماعی داشته است.

- نتایج تحقیق اکبری و غلامی کوتنایی (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت بازاریان شهر زنجان در تأمین امنیت بازار» نشان می‌دهد که بین اعتماد به پلیس و مشارکت بازاریان در تأمین امنیت، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین نوع نگرش بازاریان به مشارکت، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سن، جنس، تحصیلات آنان با مشارکت در تأمین امنیت بازار رابطه معنادار وجود دارد.

«انتظارات و مطالبات مردم از مراکز نظارت همگانی»، عنوان پژوهشی است که توسط درخوش و بخشی (۱۳۹۰) از طریق تحلیل محتوای بیش از ۴۰۰۰۰ پیام مردمی واصل شده به مرکز نظارت همگانی انجام یافته است. در این پژوهش، مهم‌ترین انتظارات و مطالبات شهروندان از مراکز نظارت همگانی از قبیل؛ سرعت و دقت در رسیدگی به پیام‌های مردمی، اطلاع‌رسانی نتایج به شهروندان، رازداری، صداقت، مهارت، توانایی و برخورد مناسب و مهربانانه کارکنان مراکز نظارت به‌ویژه اپراتورهای ۱۹۷ با مردم، آرامش و اطمینان خاطر دادن به پیام‌دهندگان، پذیرا بودن و درک شهروندان و... احصا شده است که در تعیین شاخص‌ها و معرف‌ها از نتایج این تحقیق استفاده شده است.

- عبدی و حسینی‌المدنی (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه بین نگرش و رفتار مشارکتی با پلیس و واحدهای تابعه» به انجام رسانیده‌اند که مسأله اصلی آن، شناسایی نگرش و رفتار مشارکتی در قبال پلیس و فعالیت‌های آن و افزایش رفتار مشارکت‌جویانه و هدف اصلی آن، شناسایی و تبیین عوامل پیش‌بینی‌کننده رفتار مشارکتی و راهکارهای ارتقای رفتار مشارکت‌جویانه با پلیس است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین نگرش دانشجویان نسبت به پلیس با رفتار مشارکتی آن‌ها با پلیس، رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به جهت همبستگی می‌توان بیان کرد که با افزایش میزان نگرش، رفتار مشارکت‌جویانه نیز افزایش می‌یابد.

- الکس انکلس^۱ (به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۵) در تحقیقات خود در کشورهای در حال توسعه به ویژگی‌های اجتماعی-روان شناختی شهروند مشارکت‌جو پرداخته و دریافته است، افرادی که دارای آگاهی سیاسی بالا هستند، مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی زیاد است.

- هوگ^۲ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای، نقش سرمایه اجتماعی در استقرار فرهنگ اجتماعی مردم سالار و مشارکت داوطلبانه در سازمان‌ها را بررسی و تأیید کرده است (ص ۴۱).

- ایوان اسکوفر^۳ و ناریون گورینانس^۱ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌های ساختاری مشارکت اجتماعی: مطالعه عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با دیدگاهی

1- Alex Inkeles
2- Hooghe
3- Evan schofer



تطبیقی» عضویت در انجمن‌ها را در ۳۲ کشور با استفاده از روش تحلیل داده‌های ثانویه آزمون کرده‌اند و آن‌را تحت تأثیر تفاوت بین ساختار دولت‌ها، نهادها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگ سیاسی ملت‌ها دانسته‌اند. این متغیرها، هم میزان مشارکت و هم نوع انجمن‌هایی که افراد در آن فعالیت می‌کنند را تعیین می‌نمایند.

- درتایوان موضوع مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی از سوی کوو و همکارانش (۲۰۰۸) بررسی و نتیجه گرفته شد که کنش متقابل مطلوب در خانواده بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار بوده و باعث افزایش مشارکت اجتماعی می‌شود (به نقل از مرادی، ۱۳۸۸).

مروری بر تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که علی‌رغم ادبیات نظری نسبتاً مطلوبی که درباره نظارت همگانی وجود دارد، تحقیقات نظام‌مند جامعی در زمینه موانع توسعه نظارت همگانی و علل و عوامل مؤثر بر این نوع از مشارکت اجتماعی صورت نگرفته است. در پژوهش‌های داخلی، واکاوی و تبیین این نوع از مشارکت اجتماعی مورد غفلت بوده یا بسیار حاشیه‌ای و بدون هیچ شاخص معینی و بدون توجه به واقعیات و رجوع سازمان یافته به متن، زمینه‌های اجتماعی و سطوح تجربی نظارت همگانی و آن هم در مقام مباحث نظری و فلسفی کلان پرداخته شده است و این در حالی است که نظارت همگانی در نیروی انتظامی شکلی نوظهور از مشارکت‌های اجتماعی و دارای مبانی شرعی، حقوقی و زمینه‌های فرهنگی و تاریخی در ایران است که در حیات سازمانی نیروی انتظامی نقطه عطف و بسیار حایز اهمیت می‌باشد و اهتمام نظری و عملی جدی را می‌طلبد که شاید بتوان پژوهش حاضر را گامی هر چند کوتاه در مسیر پاسخگویی به این نیاز حیاتی و مهم تلقی کرد.

چارچوب نظری تحقیق

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌شود، تعریف کرد. نمود اینگونه مشارکت، در نهادی چون «مرکز نظارت همگانی پلیس» جلوه‌گر شده است. این نوع از مشارکت اجتماعی، تحت تأثیر عوامل گوناگون و در سطوح مختلف تحلیلی می‌باشد، در این پژوهش نگرش افراد

مورد مطالعه به مشارکت در نظارت همگانی در ابعاد عینی و ذهنی آن مورد سنجش قرار گرفته و با عواملی چون انواع اعتماد اجتماعی (اعتماد اجتماعی و...) در سطح کلان، میزان آگاهی‌های اجتماعی شهروندان و نوع نگرش آنان به مشارکت اجتماعی در سطح میانه و برخی عوامل جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای پاسخگویان در سطح خرد، مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. مشارکت در بُعد عینی به معنای میزان مشارکت واقعی و منظور از مشارکت در بُعد ذهنی آن، به معنای میزان آمادگی ذهنی برای مشارکت در آینده می‌باشد، بر این اساس در تبیین مشارکت در نظارت همگانی (متغیر وابسته) به عنوان کنش اجتماعی از رویکردهای نظری مختلف و در قالب یک الگوی نظری تلفیقی بهره‌جسته‌ایم.

برای بررسی متغیرهای مستقل انواع اعتماد اجتماعی (اعتماد به کارگزاران و نهاد نظارت همگانی با ابعاد و شاخص‌هایی چون؛ پیش‌بینی‌پذیری، پاسخگویی و شفافیت سازمانی) و اعتماد درون‌گروهی که از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، نظریه‌های پاتنام، زتومکا، فیلد و... مورد استفاده قرار گرفته است که در ادامه به بررسی مختصر آن‌ها می‌پردازیم.

به نظر پاتنام^۱ (۲۰۰۰) ایده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه روابط اجتماعی ارزشمند و سودمند است. سرمایه اجتماعی ویژگی‌هایی مانند شبکه روابط، هنجارها و اعتماد اجتماعی است که همکاری و همیاری را برای منافع اجتماعی در سازمان‌ها تسهیل می‌کند. از نظر این صاحب نظر، سرمایه اجتماعی که اعتماد یکی از وجوه برجسته آن است، با تسهیل مشارکت‌های اجتماعی، کارایی سازمان‌ها را بهبود می‌بخشد و هزینه همکاری‌ها و مشارکت اجتماعی را کاهش می‌دهد، همکاری ارادی و داوطلبانه به وسیله سرمایه اجتماعی تسهیل می‌شود و اعتماد از عناصر اصلی تقویت همکاری و مشارکت می‌باشد (ص ۲۱).

شفافیت سازمانی مراکز نظارت همگانی^۲ و متضاد آن، عدم شفافیت و پنهان‌کاری این مراکز از عوامل و زمینه‌های ساختاری اعتمادساز در نظارت همگانی است و این فرایند در نهایت به جلب مشارکت‌های اجتماعی می‌انجامد. دسترسی به اطلاعات مربوط به عملکرد، کارایی، سطوح پیشرفت و نیز ناکامی‌ها و آسیب‌شناسی‌های سازمانی، نوعی احساس امنیت

1- Putnam

1- Transparency of the Civilian Oversight of Police



و پیش‌بینی‌پذیری به وجود می‌آورد. اگر ساختار، علت وجودی، اصول فعالیت، صلاحیت و نتایج عملکرد مراکز نظارت همگانی قابل مشاهده باشند، آزادانه گزارش شوند، برای نظارت و بازبینی در دسترس باشند و درک آن‌ها آسان باشد، آنگاه مردم حاضر خواهند بود به گونه‌ای معتمدانه با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. افزون بر این، مردم نسبت به آنچه که ممکن است متوقع باشند، دلگرم می‌شوند. از طرف دیگر، اگر اصول فعالیت این سازمان‌ها مبهم باشند، درک آن‌ها دشوار باشد، از نظر مخفی بمانند و با پوششی از رازداری احاطه شوند، در آن صورت این تصور پیش می‌آید که یک چیز بدیمن و تهدیدآمیز وجود دارد که پنهان و مخفی نگه داشته می‌شود و در نهایت موجب می‌شود مردم نیز نسبت به اعتماد و مشارکت در آن‌ها تردید پیدا کنند.

پاسخگویی مراکز نظارت همگانی در قبال مردم یا دیگر نهادها و سازمان‌ها از عوامل دیگر ساختاری مؤثر بر اعتماد و مشارکت در نظارت همگانی است که در مقابل این، خودسری و فقدان مسئولیت‌پذیری قرار می‌گیرد. پاسخگویی، نشان‌های برای ایجاد اعتماد به شمار می‌آید. اگر سازمانی غنی، قابل دسترس و دارای نهادهایی با کارکرد مناسب باشد که استانداردها را تعیین کند، بازبینی‌ها و کنترل‌های لازم را نسبت به رفتار و عملکرد کارکنان و دست‌اندرکاران خود به عمل بیاورد، در آن صورت خطر سوء استفاده تخفیف یافته و انتظام رویه‌ها نیز تضمین خواهد شد (زومکا، ۱۳۸۶، صص ۲۱۶-۲۴۷).

میان پیش‌بینی‌پذیری مدیریت نظارت همگانی پلیس و اعتماد محیط به آن، نسبت علی‌برقرار است، یعنی یکی از شرایط لازم اعتماد محیط به مراکز نظارت همگانی پلیس، برخورداری آن از خصلت پیش‌بینی‌پذیری است و به تبع این امر، پیش‌بینی‌پذیری، شرط لازم برای برخورداری مراکز نظارت همگانی از مشارکت عمومی است. مفهوم پیش‌بینی‌پذیری مطلق نیست، بلکه صرفاً معطوف به رعایت حقوق صاحبان حق است. سازمان‌ها را از حیث داشتن این خصلت می‌توان به دو گروه پیش‌بینی‌پذیر و پیش‌بینی‌ناپذیر تقسیم کرد. مهمترین اثر زیان‌بار پیش‌بینی‌ناپذیر بودن سازمان، سلب اعتماد محیط از آن است و اعتماد‌گریزی، مشارکت و نظارت همگانی را از بین می‌برد، در نقطه مقابل، مسئولیت‌پذیری سازمان قرار دارد که سبب می‌شود محیط، حساسیت سازمان را نسبت به حقوق خویش ببیند، به آن اعتماد کند و با آن مشارکت و همکاری داشته باشد (قراملکی، ۱۳۸۹).

رابطه میان سرمایه اجتماعی (انواع اعتماد اجتماعی) و مشارکت اجتماعی، رابطه‌ای پیچیده و چند ساحتی است و به لحاظ روش شناختی، به وجود علیت معکوس^۱ بین اعتماد اجتماعی از نوع درون گروهی آن با مشارکت اجتماعی باید توجه کرد، اعتماد درون گروهی در برخی از موارد، دارای نوعی ارتباط با گرایش به سمت اعتماد خاص گرایانه^۲ می‌باشد، شاید بخشی از دلیل پدید آمدن اعتماد خاص گرایانه، تصور وجود یک محیط خارجی ریسکی باشد که در آن، اعتماد نکردن به بیگانه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای انتزاعی، امری عقلانی و محتاطانه به حساب آید. علاوه بر این، اعتماد اجتماعی درون گروهی صرفاً در جایی می‌تواند در نقش یک منبع عمل کند که علاوه بر شکل‌گیری پیوند با دیگران، ارزش‌های مشترک گروه هم باید درونی شده باشند. با این حال در نگاه اول این طور به نظر می‌رسد که اعتماد اجتماعی درون گروهی که با اعتماد خاص گرایانه ترکیب می‌شود، پدید آورنده وجوه منفی سرمایه اجتماعی و بازدارنده مشارکت‌های اجتماعی برون گروهی است (فیلد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴).

در تبیین ارتباط علی میان متغیرهایی چون؛ آگاهی‌های اجتماعی، رضایت اجتماعی و نوع نگرش شهروندان به مشارکت و نیز متغیرهای جمعیت شناختی و زمینه‌ای با مشارکت در نظارت همگانی به عنوان یک کنش اجتماعی، نظریه‌های لیپست، دال، گائوتری و میچل مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه بحث به آن اشاره می‌شود. لیپست از نظریه پردازان حوزه مشارکت می‌باشد، بر مبنای مدل نظری وی، میزان مشارکت در فرایندهای اجتماعی و سازمانی در میان مردان، گروه‌های تحصیل کرده، متأهلین، شهرنشینان، افراد میان سال و نیز افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها، احزاب، سندیکاها و شوراها بیشتر است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶).

رابرت دال^۳ در کتاب «تجزیه و تحلیل سیاست»، مشارکت سیاسی و اجتماعی را مورد تحلیل قرار داده است و عوامل تسهیل کننده ورود به مشارکت سیاسی و اجتماعی را مطرح کرده که در مجموع معروف به مدل دال می‌باشد، به نظر او عوامل زیر در مشارکت تأثیر مستقیم دارند که در صورت بروز و تحقق آن ظهور مشارکت را موجب می‌شوند:

1- Reverse Causation
 2- Particularized Trust
 1- Robert Dal



- ۱- فرد برای پاداش‌های حاصله از مشارکت، ارزش بالایی قایل باشد.
 - ۲- سازوکار مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با سایر سازوکارها مؤثرتر بداند.
 - ۳- نسبت به دستیابی به نتایج، اطمینان لازم را داشته باشد.
 - ۴- برای مشارکت از دانش و مهارت لازم برخوردار باشد.
 - ۵- در ورود به مشارکت و در جریان مشارکت، خود را مواجه با مشکلات و موانع زیاد نبیند. زیرا وقتی فرد از فعالیتی انتظار دریافت پاداش کلان را داشته باشد، راغب خواهد بود که بر مشکلات موجود غلبه کند و حتی هزینه‌های آن را تحمل کند، ولی وقتی که ببیند یا معتقد باشد که پاداش‌ها ناچیز بوده یا اصلاً وجود خارجی ندارند، معمول‌ترین موانع و هزینه‌ها او را مأیوس و از عمل کردن بازمی‌دارند (به نقل از اکبری، ۱۳۸۹).
- هوئین گائوتری^۱ که از همکاران یونسکو در زمینه مشارکت می‌باشد، معتقد است که فرایند مشارکت خود موضوعی اجتماعی و مدنی است، زیرا تلاش برای مشارکت مستلزم تغییر حالت ذهنی و روانی و نوع نگرش در همه سطوح است و همین تغییر، امکان برقراری مناسبات انسانی و اجتماعی جدیدی را موجب می‌شود. براساس نظر گائوتری، برای تحقق مشارکت در سازمان‌ها هم باید اراده سیاسی دولت، اسناد قانونی و نهادهای اجتماعی متناسب وجود داشته باشد و هم باید مشارکت کنندگان شرایط لازم را داشته باشند. علل عدم مشارکت از دیدگاه وی عبارتند از: بی‌سوادی و فقدان اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، عادات امتناع از مشارکت، بدبینی فرد در خصوص کارایی مشارکت، کمبود وقت و نیز فقدان آمادگی کارگزاران سازمانی برای گفتگو و پذیرش اظهار نظر مردم. در مجموع وجود فلسفه‌های اجتماعی و سیاسی مؤثر، اراده سیاسی لازم، وجود قوانین و نهادهای مناسب، برخورداری از تحصیلات و اطلاعات مناسب، داشتن وقت کافی، دوری از انزوا و کناره‌گیری، فقدان تردید در مؤثر بودن فرایند مشارکت، نظام اجتماعی و سازمانی که ظرفیت پذیرش مشارکت را داشته باشد، شرایط ذهنی و مالی مناسب برای مشارکت، وجود جو مناسب برای مشارکت، وجود جو بردباری و انتقادپذیری، اعتماد اجتماعی،

توسعه فرهنگی و اجتماعی از زمینه‌های اصلی مؤثر در تحقق و بسط مشارکت اجتماعی هستند (گائوتری، به نقل از غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۹۰).

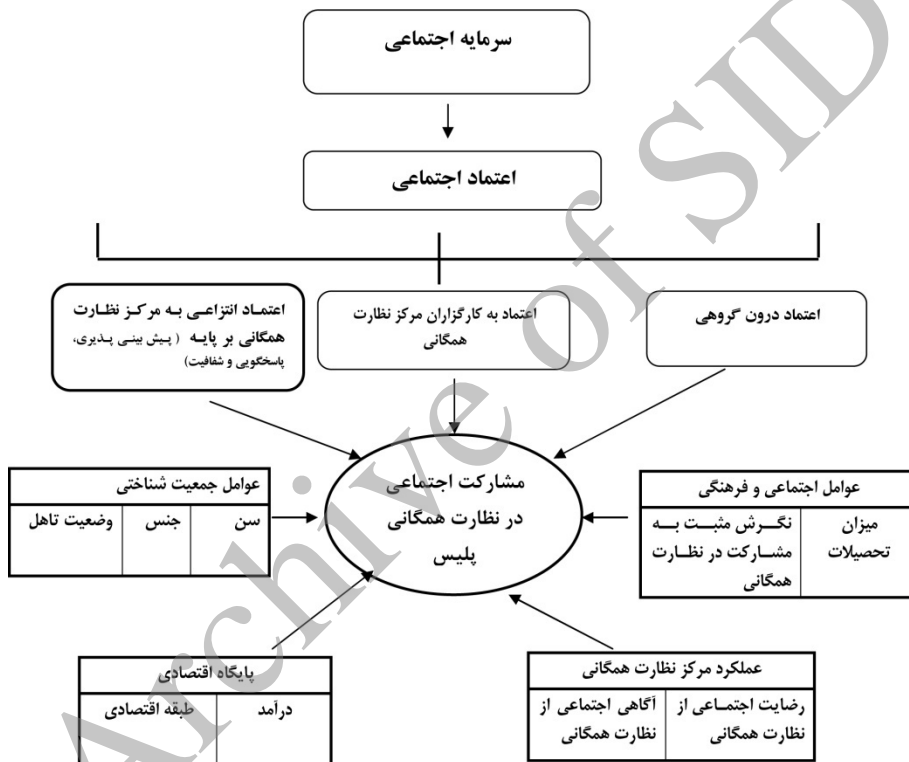
برخورداری کنشگران اجتماعی از دانش اجتماعی و عمومی نسبت به مسائل، رخدادها و مناسبات حاکم بر حیات اجتماعی، در مقیاس‌های محلی، ناحیه‌ای و ملی در ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، دلالت بر آگاهی اجتماعی و عمومی اعضای یک جامعه دارد که تعیین کننده کم و کیف سرمایه اجتماعی از جمله مشارکت و اعتماد است. در این پژوهش میزان شناخت و آشنایی مردم از ساختار سازمانی، وظایف، مأموریت‌ها و فرایند انجام امور در مراکز نظارت همگانی و نیز نتایج عملکرد این مراکز مدنظر می‌باشد.

وجود و شیوع ارزش‌های اخلاقی و نگرش‌های مثبتی، چون؛ صداقت، امانت‌داری، حسن ظن، سعه صدر، وفای به عهد، مشارکت جویی، مسئولیت‌پذیری و... در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی که تعیین کننده چارچوبی برای یک جامعه اخلاقی هستند، بیانگر جامعه‌ای گرم و پویا خواهند بود و مهم‌تر این که پنداشت نسبت به وجود ارزش‌ها و کدهای اخلاقی و گستره شیوع آن‌ها در مقیاس ذهنی نیز در تعیین و جهت‌گیری رفتار و کنش‌های احاد افراد جامعه، سهم مؤثری دارند و برعکس، فقدان این ارزش‌ها در مقام عمل و نظر که در قامت و صورت ارزش‌های منفی، چون؛ دروغ، تقلب، حيله و تزویر، خست، بدبینی، کلاهبرداری و... خود را نشان می‌دهند، اثری فرساینده بر سرمایه اجتماعی دارند. نکته قابل اعتنا این است که ابعاد مطرح شده با یکدیگر تلاقی و تعامل دارند و مقوم یکدیگر هستند که در مجموع، سازنده سازه سرمایه‌های اجتماعی چون اعتماد و مشارکت اجتماعی هستند (غفاری، ۱۳۹۰).

میزان اثربخشی عملکرد مراکز نظارت همگانی پلیس و رضایت ارباب رجوع از عملکرد این مراکز، از دیگر عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی است. رضایت ارباب رجوع^۱ نوعی احساس خشنودی است که بر اثر تأمین انتظارات ارباب رجوع به آن‌ها دست می‌دهد. رضایت ارباب رجوع یعنی تأمین کامل نیازها و خواسته‌های آن‌ها درست در همان زمان و یا همان روشی که آن‌ها می‌خواهند. از نظر



میچل،^۱ رضایت واکنشی روانی است که بر اثر مشاهده عملکرد نهادهای اجتماعی مطابق با انتظارات ارباب رجوع در آن‌ها شکل می‌گیرد. وقتی افراد احساس کنند که نهادهای مختلف جامعه به گونه‌ای عمل می‌کنند که انتظارات آن‌ها را برآورده می‌سازند، در آن‌ها نگرش مطلوب و مساعدی نسبت به آن نهادها شکل می‌گیرد و این نگرش موجب پدید آمدن احساس رضایت می‌شود و فرایند تا تمایل دوباره به مشارکت و ارتباط با آن نهادها ادامه می‌یابد (هرمزی‌زاده، ۱۳۹۲).



نمودار ۱: مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- میان اشکال مختلف اعتماد اجتماعی (اعتماد درون گروهی، اعتماد به کارگزاران و اعتماد انتزاعی به نهاد نظارت همگانی) و میزان مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی پلیس رابطه وجود دارد.
- ۲- میان میزان رضایت مردم از عملکرد (کارگزاران و نهاد) نظارت همگانی و میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی پلیس رابطه وجود دارد.
- ۳- بین نگرش شهروندان به مشارکت در نظارت همگانی با میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی پلیس رابطه وجود دارد.
- ۴- میان میزان آگاهی‌های اجتماعی شهروندان از نظارت همگانی پلیس و میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی رابطه وجود دارد.
- ۵- میان متغیرهای جمعیت‌شناختی، اجتماعی و زمینه‌ای پاسخگویان (سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی و اجتماعی) با میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در نظارت همگانی، رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق با توجه به هدف، از نوع کاربردی و روش اجرای آن توصیفی - تبیینی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مخاطبان مرکز نظارت همگانی در سطح شهر تهران و در سال ۹۲ می‌باشد و حجم نمونه ۶۵۲ نفر و به دلایلی چون مشخص نبودن تمامی افراد جامعه آماری و عدم دسترسی کامل به همه آن‌ها، بر اساس روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده و به منظور کاهش خطای آماری تعداد نمونه بر حسب تعداد متغیرهای تحقیق تا حد نسبتاً مطلوبی افزایش یافته است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه از اعتبار محتوایی، خاصه از نوع صوری آن استفاده شده است و پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شده که مقدار آن ۰/۷۳ است که نشان می‌دهد وسیله اندازه‌گیری دارای پایایی بالایی می‌باشد.



جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

| میزان آلفای کرونباخ | متغیرها |
|---------------------|--------------------------------|
| ۰/۸۸ | مشارکت اجتماعی (عینی و ذهنی) |
| ۰/۸۳ | اعتماد اجتماعی |
| ۰/۶۴ | اعتماد انتزاعی (نهادی) |
| ۰/۶۸ | اعتماد اجتماعی درون گروهی |
| ۰/۶۷ | آگاهی‌های اجتماعی |
| ۰/۸۲ | رضایت اجتماعی |
| ۰/۷۱ | نگرش به مشارکت در نظارت همگانی |

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی جمعیت شناختی

- توزیع فراوانی بر حسب جنسیت نشان می‌دهد، براساس شواهد از کل حجم نمونه تحقیق ($n=625$)، $45/5$ درصد زن و $45/5$ درصد مرد هستند.
 - توزیع فراوانی سن پاسخگویان در میان گروه‌های سنی مورد نظر، نشان داد که سن پاسخگویان از ۱۸ سال تا بیش از ۶۰ سال می‌باشد. میانگین سنی پاسخگویان ۳۸ سال می‌باشد و بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۴۰-۳۱ سال قرار دارند که این گروه $32/7$ درصد از پاسخگویان را شامل می‌شود.
 - توزیع فراوانی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان ($34/1$ درصد) در سطح دیپلم قرار می‌گیرند و کمترین تعداد پاسخگویان ($1/5$ درصد) فاقد تحصیلات (بی‌سواد) بوده‌اند.
 - توزیع فراوانی شغلی پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان ($26/7$ درصد) خانه‌دار بوده و کمترین تعداد پاسخگویان ($1/3$ درصد) دارای سمت شغلی معلوم می‌باشند.
- در این بخش ابتدا ضمن سنجش کمی میانگین مشارکت شهروندان در نظارت همگانی پلیس، به رابطه متغیرهای زمینه‌ای با مشارکت در نظارت همگانی می‌پردازیم:

میانگین مشارکت در نظارت همگانی: میانگین مشارکت شهروندان در نظارت همگانی پلیس ۰/۵۳۶ و میانگین مشارکت اجتماعی عینی و مشارکت اجتماعی ذهنی در نظارت همگانی به ترتیب ۰/۴۵۸ و ۰/۶۱۴ می‌باشد.

جدول ۲: میانگین مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی

| مشارکت در نظارت همگانی | میانگین | انحراف استاندارد |
|------------------------|---------|------------------|
| مشارکت اجتماعی عینی | ۰/۴۵۸ | ۰/۱۸ |
| مشارکت اجتماعی انتزاعی | ۰/۶۱۴ | ۰/۱۴ |
| مشارکت کل | ۰/۵۳۶ | ۰/۱۵ |

(ب) یافته‌های تحلیلی

فرضیه اول: «میان اشکال مختلف اعتماد اجتماعی (اعتماد درون گروهی، اعتماد به کارگزاران و اعتماد انتزاعی به نهاد نظارت همگانی) و میزان مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی پلیس رابطه وجود دارد».

جدول ۳: ضریب همبستگی پیرسون اعتماد درون گروهی و مشارکت اجتماعی

| میزان ضریب همبستگی پیرسون (r) | سطح معنی‌داری (sig) | تعداد (N) |
|-------------------------------|---------------------|-----------|
| -۰/۱۷۷ | ۰/۰۰۱ | ۶۵۲ |

با توجه به داده‌های جدول شماره سه، بین دو متغیر اعتماد درون گروهی با مشارکت در نظارت همگانی بر عملکرد پلیس، رابطه معکوس وجود دارد که با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، این رابطه کاملاً معنی‌دار بوده به طوری که با افزایش میزان اعتماد درون گروهی، میزان مشارکت در نظارت همگانی کاهش می‌یابد و برعکس. بنابراین این فرضیه (وجود رابطه معکوس بین دو متغیر مذکور) نیز تأیید می‌شود.

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون اعتماد اجتماعی به کارگزاران نظارت همگانی و مشارکت اجتماعی

| میزان ضریب همبستگی پیرسون (r) | سطح معنی‌داری (sig) | تعداد (N) |
|-------------------------------|---------------------|-----------|
| ۰/۷۲۲ | ۰/۰۲۴ | ۶۵۲ |

آمار مندرج در جدول شماره چهار نشان می‌دهد، بین دو متغیر اعتماد به کارگزاران نظارت همگانی و مشارکت اجتماعی در نظارت بر عملکرد پلیس با توجه به میزان همبستگی ($r=0/722$) و سطح معنی‌داری ۰/۰۲۴ رابطه مثبت و کاملاً معنی‌داری وجود



دارد. بطوری که با افزایش میزان اعتماد مردم به کارگزاران نظارت همگانی، میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی پلیس نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۵: ضریب همبستگی پیرسون اعتماد اجتماعی انتزاعی نظارت و مشارکت اجتماعی

| تعداد (N) | سطح معنی‌داری (sig) | میزان ضریب همبستگی پیرسون (r) |
|-----------|---------------------|-------------------------------|
| ۶۵۲ | ۰/۰۰۳ | ۰/۶۵۹ |

چنانچه در جدول شماره پنج مشاهده می‌شود، میزان همبستگی دو متغیر اعتماد انتزاعی و مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی ۰/۶۵۹ می‌باشد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۰۳، این رابطه کاملاً معنی‌دار می‌باشد، به طوری که با افزایش میزان اعتماد انتزاعی به مراکز نظارت همگانی، میزان مشارکت در نظارت همگانی نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم: «میان میزان رضایت مردم از عملکرد (کارگزاران و نهاد) نظارت همگانی و میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی پلیس رابطه وجود دارد.»

جدول ۶: ضریب همبستگی پیرسون رضایت اجتماعی از عملکرد مراکز نظارت همگانی و مشارکت در نظارت همگانی

| تعداد (N) | سطح معناداری (sig) | میزان ضریب همبستگی پیرسون (r) |
|-----------|--------------------|-------------------------------|
| ۶۵۲ | ۰/۰۱۲ | ۰/۶۲ |

داده‌های جدول شماره شش نشان می‌دهد که همبستگی بین رضایت اجتماعی از عملکرد مراکز نظارت همگانی و مشارکت در نظارت همگانی مثبت بوده و با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۱۲، این رابطه کاملاً معنی‌دار می‌باشد، یعنی با افزایش میزان رضایت اجتماعی از عملکرد مراکز نظارت همگانی، میزان مشارکت در نظارت همگانی نیز افزایش پیدا کند، بنابراین این فرضیه نیز مورد تأیید واقع می‌شود.

فرضیه سوم: «بین نگرش شهروندان به مشارکت در نظارت همگانی با میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی پلیس رابطه وجود دارد.»

جدول ۷: ضریب همبستگی پیرسون نگرش مثبت به مشارکت و مشارکت در نظارت همگانی

| تعداد (N) | سطح معنی‌داری (sig) | میزان ضریب همبستگی پیرسون (r) |
|-----------|---------------------|-------------------------------|
| ۶۵۲ | ۰/۰۰۳ | ۰/۷۱ |

بر اساس داده‌های مندرج در جدول شماره هفت، بین متغیرهای نگرش مثبت شهروندان به نظارت همگانی با میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی رابطه معناداری وجود دارد ($\text{sig} = 0/003$ و $t = 0/71$). شایان ذکر است که مثبت بودن جهت رابطه، بدین معنا است که با افزایش نگرش مثبت میان پاسخگویان، بر میزان مشارکت در نظارت همگانی از سوی آنان افزوده می‌شود و برعکس، یعنی شهروندانی که از نظر ذهنی و روانی نسبت به مشارکت، نظر مثبتی دارند در مشارکت برای نظارت همگانی نیز آمادگی بیشتری دارند، بنابراین فرضیه پژوهش در این زمینه تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: «میان میزان آگاهی‌های اجتماعی شهروندان از نظارت همگانی پلیس و میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی رابطه وجود دارد.»

جدول ۸: ضریب همبستگی پیرسون (r) بین آگاهی‌های اجتماعی شهروندان از نظارت همگانی و مشارکت در نظارت همگانی

| میزان ضریب همبستگی پیرسون (r) | سطح معنی‌داری (sig) | تعداد (N) |
|-------------------------------|---------------------|-----------|
| ۰/۷۸ | ۰/۰۰۰ | ۶۵۲ |

با توجه به داده‌های جدول شماره هشت، بین دو متغیر میزان آگاهی‌های اجتماعی شهروندان از نظارت همگانی با میزان مشارکت در نظارت همگانی، رابطه وجود دارد که با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ این رابطه کاملاً معنی‌دار بوده، به طوری که با افزایش آگاهی‌های اجتماعی شهروندان از نظارت همگانی، میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی نیز افزایش می‌یابد و برعکس. بنابراین این فرضیه (وجود رابطه بین دو متغیر مذکور) نیز تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم: «میان متغیرهای جمعیت‌شناختی، اجتماعی و زمینه‌ای پاسخگویان (سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی و اجتماعی) با میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در نظارت همگانی، رابطه وجود دارد.»

رابطه جنسیت و مشارکت در نظارت همگانی:

جدول ۹: آزمون تفاوت میانگین مشارکت در نظارت همگانی بر حسب جنس

| متغیر مستقل | آماره‌های توصیفی | | آماره‌های استنباطی | |
|-------------|------------------|--------------|--------------------|---------------------|
| | میانگین | انحراف معیار | t | سطح معنی‌داری (sig) |
| جنسیت | مرد | ۴۴/۵۱ | ۹/۶۴ | ۰/۰۰۱ |
| | زن | ۳۳/۸۳ | | |



چنانچه داده‌های جدول شماره نه نشان می‌دهد، میانگین مشارکت اجتماعی مردان و زنان در زمینه نظارت همگانی بر عملکرد نیروی انتظامی، به ترتیب $44/51$ و $33/83$ می‌باشد، با توجه به عدد آزمون t به دست آمده در سطح معنی‌داری $0/001$ که برابر با $9/64$ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که این اختلاف میانگین در بین مردان و زنان جامعه از منظر مشارکت در نظارت همگانی معنادار می‌باشد، بنابراین فرضیه‌ای که مبین وجود تفاوت در بین دو گروه مردان و زنان از نظر مشارکت اجتماعی است، تأیید می‌شود.

رابطه وضعیت تأهل و مشارکت در نظارت همگانی:

جدول ۱۰: آزمون تفاوت میانگین مشارکت در نظارت همگانی بر حسب وضعیت تأهل

| متغیر مستقل | | آماره های توصیفی | | آماره های استنباطی | |
|-------------|-------|------------------|--------------|--------------------|---------------------|
| وضعیت | مجرد | میانگین | انحراف معیار | t | سطح معنی‌داری (Sig) |
| تأهل | متأهل | ۳۶/۳۵ | ۲۲/۷۹ | ۰/۷۲۷ | ۰/۴۶۸ |
| | مجرد | ۳۳/۸۹ | ۱۹/۳۳ | | |

برابر داده‌های مندرج در جدول شماره ده، میانگین مشارکت اجتماعی متأهلین در نظارت همگانی برابر با $36/35$ بوده، در حالی که میانگین مشارکت اجتماعی مجردین $33/89$ می‌باشد، مقدار t در سطح معنی‌داری $0/468$ برابر $0/727$ می‌باشد که گویای فقدان معناداری تفاوت متأهلین و مجردین از نظر میزان مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی است، بنابراین فرضیه‌ای که مبین وجود تفاوت بین این دو گروه از نظر مشارکت اجتماعی است، رد می‌شود.

رابطه پایگاه اقتصادی با مشارکت در نظارت همگانی:

جدول ۱۱: ضریب همبستگی پیرسون پایگاه اقتصادی و مشارکت در نظارت همگانی

| میزان ضریب همبستگی پیرسون (r) | سطح معنی‌داری (Sig) | تعداد (N) |
|-------------------------------|---------------------|-----------|
| ۰/۰۴۴ | ۰/۶۰۱ | ۶۴۱ |

برابر داده‌های جدول فوق، میزان همبستگی بین دو متغیر پایگاه اقتصادی و مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی $0/044$ می‌باشد که نشانگر یک رابطه ضعیف می‌باشد و این رابطه با توجه به سطح معنی‌داری ($0/601$)، معنی‌دار نمی‌باشد.

رابطه سن با مشارکت در نظارت همگانی:

جدول ۱۲: ضریب همبستگی پیرسون سن و مشارکت در نظارت همگانی

| میزان ضریب همبستگی پیرسون (r) | سطح معنی‌داری (Sig) | تعداد (N) |
|-------------------------------|---------------------|-----------|
| ۰/۶۸ | ۰/۰۴ | ۶۳۸ |

برابر داده‌های جدول دوازده، میزان همبستگی سن با مشارکت همگانی ۰/۶۸ می‌باشد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۴ این رابطه معنی‌دار است، یعنی بین سن و میزان مشارکت در نظارت همگانی رابطه وجود دارد.

رگرسیون ترکیبی متغیرهای اصلی تحقیق:

جدول ۱۳: رگرسیون ترکیبی مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی پلیس بر شروط علی

| Reg Coefficients | | | | | | | | | | | sig | F | R2 | R | مشارکت اجتماعی |
|------------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|--------|-------|-------|----------|-------|--------|-------|------|----------------|
| Beta5 | Beta4 | Beta3 | Beta2 | Beta1 | B5 | B4 | B3 | B2 | B1 | Constant | | | | | |
| ۰/۱۹۵ | ۰/۲۱۸ | ۰/۱۱۵ | ۰/۲۳۱ | ۰/۳۸۵ | ۰/۱۸۷ | ۰/۲۰۱ | -۰/۰۹۱ | ۰/۲۱۵ | ۰/۳۱۱ | ۰/۰۸۵ | ۰/۰۱۵ | ۱۵۲/۹۵ | ۰/۶۰۸ | ۰/۷۸ | شروط علی |

متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی (عینی و ذهنی) در نظارت همگانی بر عملکرد پلیس

متغیرهای مستقل (شروط علی): ۱- اعتماد اجتماعی به کارگزاران نظارت همگانی؛ ۲- اعتماد انتزاعی (نهادی) به مراکز نظارت همگانی؛ ۳- اعتماد اجتماعی درون گروهی؛ ۴- میزان آگاهی اجتماعی از نظارت همگانی؛ ۵- رضایت اجتماعی از عملکرد مراکز نظارت همگانی.

$Y = 0.215 + (اعتماد به کارگزاران نظارت) 0.311 + 0.085(مشارکت در نظارت همگانی)$

$+ (آگاهی اجتماعی از نظارت) 0.201 + (اعتماد درون گروهی) 0.091 - (اعتماد به نهاد نظارت)$

$0.187(رضایت اجتماعی از نظارت)$



نتایج آماری، دلالت بر آن دارند که ضریب همبستگی مشارکت مردم در نظارت همگانی پلیس با ترکیب خطی شرایط علی (اعتماد اجتماعی به کارگزاران و نهاد نظارت همگانی، اعتماد اجتماعی درون گروهی، میزان آگاهی و رضایت اجتماعی از نظارت همگانی) برابر با ۷۸ درصد است، و نسبتی از واریانس متغیر مشارکت مردم در نظارت همگانی پلیس که از طریق عوامل علی موجود در معادله تبیین شده است به اندازه ۶۱ درصد است، نسبت F بیانگر آن است که رابطه به دست آمده به لحاظ آماری معنادار است.

تحلیل رگرسیون

براساس شواهد تجربی موجود در تابع Y (مشارکت در نظارت همگانی)، اگر تأثیر شرایط علی موجود در تحلیل را ثابت نگهداریم، متوسط مشارکت در نظارت همگانی پلیس ۰/۰۸۵ است. این شواهد تجربی دلالت بر آن دارند، زمانی که شرایط علی وارد تحلیل می‌شوند به ازای هر واحد افزایش در اعتماد به کارگزاران و نهاد نظارت همگانی، اعتماد درون گروهی، آگاهی و رضایت اجتماعی از نظارت همگانی به ترتیب به اندازه: ۰/۳۱۱، ۰/۲۱۵، ۰/۰۹۱، ۰/۲۰۱ و ۰/۱۸۷ واحد تغییر در مشارکت نظارت همگانی پلیس قابل برآورد است. براساس یافته‌های تابع مذکور می‌توان داوری کرد که در تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت در نظارت همگانی پلیس به ترتیب وزن عوامل اعتماد اجتماعی (نهاد و کارگزاران نظارت همگانی) و آگاهی‌های اجتماعی از نظارت همگانی پلیس بیشتر است.

نتیجه‌گیری

بر پایه یافته‌های این پژوهش، مشارکت در نظارت همگانی پلیس، از طریق سرمایه اجتماعی؛ نظیر شبکه‌ها، هنجارها، پیوندها و اعتماد متقابل جامعه با مراکز نظارت همگانی پلیس قابل ارزیابی است، هنجارهای اعتماد و همکاری و رضایت اجتماعی، منابع اصلی سرمایه اجتماعی مراکز نظارت همگانی پلیس را تشکیل می‌دهند. سرمایه اجتماعی مراکز نظارت همگانی پلیس و تغییرپذیری آن در روابط این مراکز با جامعه حضور دارد. برای تشکیل سرمایه اجتماعی مراکز نظارت همگانی پلیس دو عامل مهم هستند؛ اول میزان اعتماد اجتماعی به این مراکز به معنای آنکه تعهدات عملیاتی خواهد

شد و دوم میزان واقعی تعهداتی که (مشارکت اجتماعی) پلیس و جامعه متقابلاً بر عهده می‌گیرند، اگر سرمایه اجتماعی از بین برود، روابط اجتماعی مراکز نظارت همگانی پلیس با جامعه نیز سست و آسیب‌پذیر می‌شود و در نتیجه، انتظارات، تعهدات، نظام اعتماد و مشارکت و همیاری نیز از بین خواهد رفت.

بنابراین بر اساس نتایج این تحقیق، بین انواع شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد نهادی، اعتماد به کارگزاران نظارت همگانی و...) با رفتار مشارکت جویانه در نظارت همگانی رابطه معناداری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های انصاری (۱۳۸۲)، اکبری و غلامی (۱۳۸۹)، الکس انکلس (به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۵)، ازکیا و غفاری (۱۳۸۰)، هوگ (۲۰۰۳) و دعاگویان و گودرزی (۱۳۸۳) همسو است.

بین میزان رضایت و آگاهی اجتماعی و نوع نگرش پاسخگویان نسبت به نظارت همگانی و رفتار مشارکتی آن‌ها در نظارت همگانی رابطه معناداری وجود دارد، با توجه به جهت همبستگی می‌توان بیان کرد که با افزایش میزان رضایت و نگرش مثبت، رفتار مشارکت جویانه در نظارت همگانی نیز افزایش می‌یابد. این نتایج با یافته‌های میچل (به نقل از هرمزی‌زاده، ۱۳۹۲)، رضادوست، حسین‌زاده و عابدزاده (۱۳۸۸)، عبدی و حسینی‌مدنی (۱۳۹۲) و گائوتری (۱۹۸۶) مطابقت دارد.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌ها و نتایج تحقیق، راهبردهای بسط و توسعه مشارکت‌های مردمی در نظارت همگانی و ارتقای اثربخشی عملکرد مرکز نظارت همگانی نیروی انتظامی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- براساس یافته‌های این تحقیق، عواملی چون (اعتماد، رضایت، نگرش و آگاهی‌های اجتماعی و...) در تبیین مشارکت اجتماعی در نظارت بر عملکرد پلیس مؤثر می‌باشند، بنابراین اگر تغییرات مثبت در این عوامل تداوم یابد، زمینه‌های ساختاری مناسب برای ظهور فرهنگ مشارکت عمومی در نظارت بر عملکرد پلیس نیز تقویت خواهد شد. بنابراین با توجه به نقش اساسی هر یک از متغیرهای مورد بررسی، لازم است برنامه‌ریزی‌های اصولی به‌منظور تقویت و ارتقای هر یک از علل و عوامل مؤثر در بسط و توسعه نظارت همگانی صورت گیرد.



۲- مشارکت در نظارت همگانی پلیس ناشی از اعتماد اجتماعی به نظارت همگانی است و اعتماد اجتماعی به نظارت همگانی، محصول پاسخگویی مناسب مراکز نظارت همگانی به انتظارات و مطالبات جامعه است. بر همین اساس، شناسایی و پایش دقیق و روزآمد انواع انتظارات جامعه از نظارت همگانی (ابزاری، هنجاری، اخلاقی، اعتباری) و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای پاسخگویی و مدیریت مطلوب این انتظارات و مطالبات فزاینده، بایستی در کانون توجه سازمان پلیس و مدیران و مسئولان به منظور اعتمادسازی و ارتقای رضایت‌مندی اجتماعی قرار گیرد.

۳- بر اساس نتایج پژوهش، بین نوع نگرش به مشارکت در نظارت همگانی از سوی مردم و مشارکت آنان در نظارت همگانی رابطه وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران امر در خصوص مساعد کردن ذهنیت شهروندان به ضرورت فعالیت مشارکتی با نظارت همگانی نیروی انتظامی و همچنین با جلب اعتماد بیشتر نسبت به مراکز نظارت همگانی از طریق برخورد مناسب با مخاطبین و رسیدگی جدی به گزارش‌های مردم و اطلاع‌رسانی سریع به آنان، روحیه مشارکت‌جویی آنان را تقویت کنند.

۴- نتایج بررسی از روابط میان متغیرهای سرمایه‌های اجتماعی نظارت همگانی با مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی، حاکی از وجود رابطه وثیق میان این متغیرها است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت اجتماعی در نظارت بر عملکرد نیروی انتظامی تحقق نمی‌یابد، مگر با وجود تحقق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی نیروی انتظامی تحقق نمی‌یابد مگر با تحقق شاخص‌هایی چون اعتماد شخصی، انتزاعی و نهادی به نیروی انتظامی. بنابراین به منظور توسعه مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی بایستی به بسط و توسعه سرمایه اجتماعی نیروی انتظامی همت گمارد، البته رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت اجتماعی در نهایت تعاملی خواهد بود، به گونه‌ای که مشارکت در نظارت همگانی نیز به نوبه خود موجبات تقویت سرمایه اجتماعی نیروی انتظامی را فراهم خواهد کرد، یکی از راهکارهای مناسب در این زمینه این است که به وعده‌هایی که به مردم در تشکیل و توسعه مراکز نظارت همگانی داده شده و مطالبات و انتظاراتی که در جامعه نسبت به این مراکز شکل گرفته، پاسخگویی مناسب انجام پذیرد.

۵- با توجه به یافته‌های تحقیق در زمینه وجود رابطه میان میزان آگاهی‌های اجتماعی شهروندان با مشارکت آن‌ها در نظارت همگانی، می‌توان بیش از پیش از وجود رسانه‌های جمعی تأثیرگذار در جهت توسعه آگاهی‌های اجتماعی و مشارکت‌های مردمی در نظارت بر عملکرد نیروی انتظامی بهره جست.

۶- اطلاع‌رسانی فراگیر و مستمر از دستاوردها، خدمات و شفاف‌سازی بیشتر از فرایندهای اجتماعی و مأموریت‌های انتظامی و امنیتی پلیس به جامعه صورت پذیرد.

۷- لازم است شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی مناسبی پیرامون وظایف، کارکرد، کارایی، سطوح پیشرفت و نیز ناکامی‌ها و آسیب‌شناسی سازمانی مراکز نظارت همگانی به مردم صورت پذیرد که در صورت تحقق این موضوع، این مراکز از نظر مردم به عنوان نهادی پیش‌بینی پذیر خواهد بود، به‌شکلی که حاضر خواهند بود از روی اعتماد و اطمینان خاطر در نظارت همگانی مشارکت کنند.

۸- ماهیت و نوع وظایف و مأموریت‌های محوله به مراکز نظارت همگانی به گونه‌ای است که علاوه بر عوامل درونی (که به خود مراکز نظارت همگانی اختصاص دارند)، زمینه‌ها و عوامل بیرونی متعددی در عملکرد و موفقیت‌های آن دخیل هستند، بدین معنا که نظارت همگانی فرایندی است که از چهار رکن؛ ۱- مردم (یا جامعه)، ۲- یگان‌های ناجا، ۳- مسئولین و مدیران ناجا و ۴- مراکز نظارت همگانی تشکیل شده که هر یک نقش ویژه‌ای در این زمینه ایفا کرده و در موفقیت و عدم موفقیت آن در اهداف راهبردی خویش مؤثر هستند. بنابراین برای تحقق این مهم، بایستی این فرایند در کلیت ارکان آن به صورت پیوسته و زنجیروار، عملکرد درست و مناسبی داشته باشند.

۹- زمینه‌های زیرساختی و فضای درون سازمان ناجا برای بسط و توسعه نظارت همگانی به صورت تصاعدی و روز افزون فراهم و مهیا شود، گسترش فرهنگ نظارت و انتقادپذیری در درون سازمان و بسط نگرش مثبت در مدیران و آحاد کارکنان نسبت به نظارت همگانی از این جمله است.

۱۰- توان پاسخگویی مراکز نظارت همگانی و رده‌های پاسخگو، متناسب با مطالبات و توقعات فزاینده مردم و جامعه کارآمد و روزآمد شود.



۱۱- تدابیر و راهبردهای مقتضی به‌منظور بهره‌برداری مدیریتی بیشتر و بهتر از ظرفیت‌های نهفته در اطلاعات و داده‌های ارزشمند متراکم در انبار داده‌های مرکز نظارت همگانی اتخاذ و عملیاتی شود، بهره‌گیری از دانش داده‌کاوی در مدیریت و کشف دانش پنهان در داده‌های انبوه موجود و تسهیل فرایند تولید دانش مردمی از جمله گام‌های عملیاتی و علمی موجود در این زمینه است.

۱۲- به منظور بسط و توسعه مشارکت اجتماعی در نظارت بر عملکرد نیروی انتظامی، نظرات، پیشنهادهای و گزارش‌های واصله از شهروندان، بیش از پیش در فرایند تصمیم‌سازی‌های کلان مدیریتی پلیس دخالت داده شود، به گونه‌ای که شهروندان اطمینان یابند که در فرایند تصمیم‌گیری برای نیروی انتظامی مشارکت دارند.

۱۳- در این تحقیق اگرچه تلاش شده است تا با بهره‌گیری از یک دستگاه نظری مناسب، تبیین جامع‌تری از مدعای تبیینی تحقیق ارائه شود، با این حال تنها ۶۱ درصد از واریانس مشارکت در نظارت همگانی پلیس تبیین شده و ۳۹ درصد واریانس پسمانده وجود دارد، واریانس پس مانده مربوط به عوامل دیگری می‌شود که آن عوامل در این پژوهش حضور ندارند. امید است پژوهشگران دیگر با نقد این اثر و با استفاده از معرف‌های تجربی مناسب‌تر و دستگاه نظری که در آن مفاهیمی با قابلیت تبیینی بیشتری حضور داشته باشد، تحقیق در مورد مشارکت اجتماعی در نظارت همگانی را ادامه دهند.

Archive

منابع

- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در عوامل روستایی کاشان. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۳-۳۱.
- اکبری، امین (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت؛ بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- اکبری، حسن؛ غلامی، کوروش (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت بازاریان شهر زنجان در تامین امنیت بازار. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، شماره بیست و سوم.
- بخشی، قدیر؛ درخوش، محسن (۱۳۹۰). بررسی و تبیین انتظارات و مطالبات شهروندان از طریق تحلیل محتوای پیام های مردمی واصله به سامانه ۱۹۷. تهران، مرکز نظارت همگانی ناجا.
- دال، رابرت (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل سیاست. ترجمه: حسن مظفری، انتشارات مترجم.
- دعاگوین، داود؛ گودرزی، ایت... (۱۳۸۳). نظارت همگانی، اعتماد اجتماعی و پلیس. مجموعه مقالات نخستین همایش تخصصی ناجا و نظارت همگانی، تهران: مرکز نظارت همگانی ناجا.
- رضا دوست، مریم؛ حسین زاده، علی حسین؛ عابدزاده، حمید (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه شهری شهر ایلام. جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۵)، شماره ۳، صص ۹۷-۱۱۰.
- زومکا، پیوتر (۱۳۸۶). اعتماد نظریه جامعه شناختی. ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- عبدی، توحید؛ حسینی المدنی، علی (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین نگرش و رفتار مشارکتی با پلیس و واحدهای تابعه. فصلنامه پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ششم، شماره چهارم (پیاپی ۲۴)، صص ۷۱-۱۰۲.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن (۱۳۸۶). جامعه شناسی مشارکت. تهران: نشر نزدیک.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: نشر کویر.
- قراملکی، فرامرز (۱۳۸۹). نقش راهبردی پیش‌بینی پذیری اخلاقی در اعتماد آفرینی و نظارت همگانی. مجموعه مقالات دومین همایش نظارت همگانی شهرداری تهران، تهران: ناشر فرهنگ صبا.
- گائوتری، هوپین (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه. ترجمه هادی غبرایی و داود طباطبایی، تهران: انتشارات سروش.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی. نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره یک، صص ۱۰۹-۸۹.



- مرادی، گلمراد (۱۳۸۸). بررسی تاثیر مشارکت‌های مردمی در کاهش ناامنی‌های شهری. «مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۸۸، صص ۱۳۰-۱۰۱.
- نوروزی، نادر؛ نوذر صارمی، امین؛ صالحی تویسرکانی، فضل‌ا... (۱۳۸۷). موانع و مشکلات جلب مشارکت‌های مردمی در کلانتری‌های شمال شرق تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره اول، صص ۹۴-۱۰۱.
- هرمزی زاده، محمد علی (۱۳۹۲). آشنایی، اعتماد و رضایت مردم از دفاتر نظارت همگانی ناجا. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی بازرسی کل ناجا.
- Putnam, R (2000), *bowling alone: The Revival of American community*, New York: Simon and Schuster
- Hoghe, m. (2003), "participation in voluntary associations and value indicators" *The effect of current and previous participation experiences*, *Nonprofit and voluntary sector quarterly*.
- Gourinchas, N, Schoser, E, (2004) "The structural contexts of civic engagement: voluntary association membership in comparative perspective" *American sociological Reviews*. Vole 65, Dec.

Archive.org